

طراحی الگوی مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با رویکرد اسلامی ایرانی پیشرفت با روش تحلیل مضمون

شهاب‌الدین جدیدی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی (تطبیقی و توسعه)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

اکبر اعتباریان

استاد تمام گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Dretebarian.a.khuisf2020@gmail.com

حمیدرضا بهرامی

استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق، اصفهان، ایران

رسول آقا داوود

استادیار، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهاقان، اصفهان، ایران

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با رویکرد اسلامی ایرانی بود.

روش پژوهش: پژوهش از نوع کیفی و با استفاده از تحلیل مضمون به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با رویکرد اسلامی ایرانی پرداخت.

یافته‌ها: این پژوهش از منظر هدف، از نوع توسعه‌ای-کاربردی، از منظر گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی و از منظر قطعیت داده‌ها، از نوع اکتشافی بود. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر هدفمند و تا اشباع نظری ادامه یافت. در بخش منابع نوشتاری، با بررسی ۹۵ منبع اصلی (در بازه زمانی ۱۵ ساله) در بخش مصاحبه با ۲۰ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که الگوی مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با رویکرد اسلامی ایرانی به ۱۱۱ مضمون پایه، ۳۳ مضمون سازمان‌دهنده و ۷ مضمون فراگیر تقسیم شدند. مضامین فراگیر شامل اهداف غایی و مأموریت‌ها، ارزش‌های بنیادین، ساختار، رابطه متقابل با وجه سیاسی، رابطه با مردم، روابط کارکنان با مدیران و سازمان، شایستگی‌های مدیران می‌باشند.

نتیجه‌گیری: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان سند راهبردی و بومی تحول در کشور، به نظام مدیریتی هماهنگ با مبانی توحیدی و مردمی تأکید دارد. نتایج نشان می‌دهد که مدیران باید اهل دین و تلاش باشند. صرف تخصص بدون تعهد دینی، موجب انحراف در اهداف می‌شوند. معیارهای گزینش مدیر در نظام اسلامی، ترکیبی از «علم»، «تقوا» و «کارآمدی» است. نمونه‌های موفق مردم‌سالاری دینی نشان می‌دهد که اسلام و دموکراسی می‌توانند در کنار یکدیگر به خوبی عمل کنند. این کشورها با ترکیب اصول دینی و حکمرانی مدرن، توانسته‌اند موفقیت‌های چشمگیری در سیاست، اقتصاد، و توسعه اجتماعی کسب کنند.

کلید واژه‌ها: ارزش‌ها، شایستگی‌ها، نظام، مردم سالاری دینی.

مقدمه

در سال‌های اخیر روند تحولات در ایران نشان می‌دهد که پارادایم غالب در مدیریت دولتی همان پارادایم کلاسیک است. در این میان، نظام مردم‌سالاری دینی به عنوان یک مدل حکومتی نوظهور مطرح شده که هدف آن ترکیب ارزش‌های دینی و اخلاقی با اصول مردم‌سالاری می‌باشد. تحلیل مولفه‌های کلیدی در نظام مردم‌سالاری دینی می‌تواند به توسعه الگوهای حکمرانی پایدار و عادلانه منجر شود. یکی از ابزارهای تحلیلی که می‌تواند در این راستا مؤثر باشد، نظریه مدیریت دولتی ماکس وبر است. وبر بوروکراسی را به عنوان یک ساختار ایده‌آل مدیریتی معرفی کرده که در آن نظم، تخصص‌گرایی، سلسله مراتب و قانون‌گرایی نقش محوری دارند. با این حال، ارزش‌های دینی همچون عدالت، اخلاق و رهبری معنوی، ویژگی‌هایی هستند که بوروکراسی وبر فاقد آنهاست. در سال‌های اخیر مفهوم مردم‌سالاری دینی در فضای سیاسی و فرهنگی جامعه ما بسیار مطرح شده و به عنوان یک الگوی حکومتی در مقابل دموکراسی غربی مطرح گردیده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سیاسی کشور بیشتر به سمت نظام اسلامی پیش رفته و نظریه مردم‌سالاری دینی را مطرح کرده و به این نتیجه رسیده که برای پیشرفت، به یک الگوی بومی که با هویت ملی و مردمی و فرهنگی سازگار باشد نیاز است. در همین راستا الگوی آرمانی پیشرفت اسلامی ایرانی مطرح شده است. برای توجه به پیشرفت و مردم‌سالاری دینی نیاز به یک رابط و هادی، بنام دولت می‌باشد. با توجه به اینکه مدل‌های مطرح شده مدیریت دولتی، تاکنون براساس فرهنگ و سیاست‌های توسعه از نگاه غربی است و مردم‌سالاری دینی براساس فرهنگ ایرانی اسلامی است و الگوی آرمانی پیشرفت اسلامی ایرانی مبتنی بر فرهنگ و هویت ملی و دینی ماست، الزام شناسایی مدیریت دولتی سازگار با این رویکرد است. با توجه به اهمیت موضوع،

هدف این تحقیق، طراحی الگوی مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با رویکرد پیشرفت اسلامی ایرانی است.

بیان مسئله

جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر نظریه مردم‌سالاری دینی، الگویی نوین از حکمرانی را عرضه کرده است که در ادبیات سیاسی به عنوان دموکراسی دینی یا جمهوری اسلامی شناخته می‌شود (مطهری، ۱۳۵۷). اسناد بالادستی نظام، از جمله سیاست‌های کلی نظام اداری (مصوب ۱۳۹۴) و سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (۱۳۹۷)، بر ضرورت طراحی نظام مدیریتی بومی و منطبق با ارزش‌های اسلامی تأکید دارند. با این حال، مطالعات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۴۰۱) نشان داده است که هنوز مدلی جامع برای پیاده‌سازی این اصول در سطح عملیاتی وجود ندارد، نکته حائز اهمیت این است که الگوهای مدیریتی موجود عمدتاً در یک فرهنگ فردگرا و لیبرال غربی مطرح شده‌اند و اجرای آنها در کشورهای در حال توسعه یا توسعه نیافته که فرهنگی متفاوت دارند، با چالش‌هایی مواجه است. این مدل‌ها براساس توسعه کشورها شکل گرفته‌اند تا آنها را در مسیر پیشرفت قرار دهند، اما باید توجه داشت که حتی مفهوم توسعه نیز به نوعی القای فرهنگ غربی را به همراه دارد و سازگاری سایر کشورها با این مفهوم به سادگی امکان‌پذیر نیست. به ویژه جمهوری اسلامی ایران که پس از انقلاب اسلامی دارای فرهنگی دینی و مبتنی بر اعتقادات خدامحوری است، طرح این الگوهای غربی بدون در نظر گرفتن فرهنگ غالب در کشور با شکست مواجه شده است، این الگوها به‌طور کلی با الگوی مردم‌سالاری دینی به عنوان یک پارادایم سیاسی همخوانی ندارند. نظام مردم‌سالاری دینی به عنوان یک نظام سیاسی بی‌بدیل در جهان، نیازمند ایجاد الگوها و نظریه‌های بومی برای بخش‌ها و حوزه‌های مختلف

است. در سال‌های اخیر، الگوهای مدیریت دولتی مبتنی بر نظریه بوروکراسی که در اکثر کشورها، از جمله کشور ما، اجرا شده‌اند، وارداتی و براساس منطق و ارزش‌های غربی هستند و عدم سازگاری این الگوها با نظام اجتماعی-سیاسی ما، منجر به ناکارآمدی در نظام اداری کشور شده است. این ناکارآمدی‌ها شامل دیوان‌سالاری، عدم انعطاف‌پذیری، جایگزینی ابزار به جای هدف، ساختار سلسله‌مراتبی پیچیده، از خود بیگانگی، افزایش هزینه و کاهش کارایی، مقاومت در برابر تغییر و نوآوری و فساد اداری و رانت می‌باشد. بنابراین، هدف اصلی تحقیق حاضر ارائه الگوی مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است که بتواند با شرایط و نیازهای خاص جمهوری اسلامی ایران سازگار باشد و زمینه‌ساز بهبود کارایی و اثربخشی نظام اداری کشور شود. هر جامعه‌ای دارای شرایط خاص و امکانات نسبی است و هیچ کشوری نیست که تمام امکانات را به صورت ایده‌آل داشته باشد، پس نمی‌توان یک مدل توسعه را برای همه جوامع متناسب دید. با توجه به این که جامعه ایران دارای شرایط خاص خود است و دارای نیروی انسانی و منابع طبیعی فراوان می‌باشد، پس چندان دور از منطق نیست که بتوان یک الگوی جدید طراحی کرد. از آن جا که کشور ایران یک جامعه دینی و دارای تاریخ و فرهنگ مختص به خود است، دین و مذهب در جامعه نقش موثری دارد و هیچ مدل سیاسی و اقتصادی در کشور ما بی‌تأثیر از دین نیست. با وجود اهمیت مردم‌سالاری دینی در بسیاری از کشورها، مطالعات کمی به تحلیل مولفه‌های مردم‌سالاری دینی پرداخته‌اند. مطالعه حاضر با هدف طراحی الگوی مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با رویکرد اسلامی ایرانی انجام گرفته است. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق که طراحی الگوی مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با رویکرد الگوی اسلامی ایرانی است، بهره‌گیری از رویکرد کیفی

و روش‌های تحلیل عمیق، به منظور کشف مفاهیم بنیادین و استخراج ابعاد الگو، ضروری به نظر می‌رسد.

ادبیات پژوهش

بوروکراسی

بوروکراسی نه تنها یک نهاد قدرتمند یا یک موجود بزرگ نیست، بلکه نوعی سازمان اجتماعی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد. نظام بوروکراسی، نظامی از متخصصان، شایستگان و برگزیدگان یک جامعه است. در واقع قدرت دموکراتیک با قدرت بوروکراتیک از لحاظ تخصص‌گرایی متفاوت است و قدرت دموکراتیک در حوزه بوروکراسی وجود ندارد و زمانی که افرادی شایسته و متخصص تحت عنوان مقتدران تکنوکراتها در نظام اداری قرار می‌گیرند، تصمیمات نیز در درون بوروکراسی‌های دولتی براساس رای اصلح خواهد بود نه رای اکثریت، اما در دموکراسی رای اکثریت ارجح است. در دموکراسی کسی که بیشترین رای را دارد قدرتمندتر است (مهرگان و همکاران، ۲۰۲۰).

مدیریت بوروکراسی

مدیریت بوروکراسی در سازمان‌های دولتی ایران به‌عنوان یک موضوع مهم در علوم اجتماعی و مدیریتی مورد بررسی قرار گرفته است. بوروکراسی به عنوان یک نظام سازمانی، تأثیر عمیقی بر کارایی و اثربخشی سازمان‌ها دارد و درک صحیح از آن به بهبود عملکرد و ارائه خدمات بهتر به شهروندان کمک می‌کند (فقیه، ۲۰۲۲).

بوروکراسی دولتی در ایران، به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام اداری، تحت تأثیر ۳ عامل کلیدی قرار دارد: قدرت تخصصی، تبعیت سیاسی و تعامل میان قدرت تخصصی و تبعیت سیاسی. این سه عنصر، به طور مستقیم بر عملکرد و کارایی بوروکراسی تأثیر می‌گذارند و درک صحیح از آنها برای تحلیل نظام اداری کشور ضروری است.

مردم‌سالاری دینی

مردم سالاری (دموکراسی) مدلی از حکومت است که دموکراسی را به عنوان یک روش به استخدام گرفته و در چارچوب اصول و ارزش‌های دینی از نقش مردم در حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری، سیاستگذاری و انتخاب حاکمان حمایت می‌کند. زیر بنای دموکراسی در اسلام، احکام و ارزش‌های دینی است و دین در تدبیر امور و وضع قوانین، تصمیم‌گیریها و مدیریت کلان جامعه مرجعیت دارد (احمدی، ۱۴۰۲).

معضلات بوروکراسی در ایران

سلسله مراتب سختگیرانه: یکی از معضلات اصلی، وجود سلسله‌مراتب پیچیده و سختگیرانه است که مانع از تصمیم‌گیری سریع و مؤثر می‌شود (شاهرخی، ۲۰۲۳). عدم انعطاف‌پذیری: بوروکراسی در ایران معمولاً به دلیل رویه‌های رسمی و قوانین سخت‌گیرانه، از انعطاف‌پذیری کافی برخوردار نیست و این موضوع می‌تواند به کندی در پاسخگویی به نیازهای جامعه منجر شود (شاهرخی، ۲۰۲۳).

فساد اداری: معضلات بوروکراسی همچنین شامل فساد اداری و سوءاستفاده از قدرت است که می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی و ناکارآمدی در ارائه خدمات منجر شود. کاهش انگیزه کارکنان: محیط کار بوروکراتیک ممکن است باعث کاهش انگیزه و خلاقیت کارکنان شود که این خود بر کیفیت خدمات ارائه‌شده تأثیر منفی می‌گذارد. (شاهرخی، ۲۰۲۳).

بوروکراسی در نظام حکمرانی

نظام حکمرانی در ایران، تحت تأثیر بوروکراسی اداری و اصول عقلانیت اسلامی قرار دارد. بررسی دلالت‌های بوروکراسی در این نظام می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف آن کمک کند. به عنوان مثال، تطابق بین اصول بوروکراسی و ارزش‌های اسلامی می‌تواند منجر به افزایش اعتماد عمومی و کارایی در ارائه خدمات (رحیمی خورزوقی و مؤید صفاری، ۲۰۲۳).

پیشینه پژوهش

مالکی (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای تحت عنوان «حکمرانی از منظر عقلانیت مدرن و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران» پرداختند. این مطالعه به بررسی الگوهای حکمرانی مبتنی بر تعمیق ارزش‌های مردم‌سالاری و تطبیق آنها با نظام جمهوری اسلامی ایران پرداختند. نویسنده تأکید می‌کند که الگوهای حکمرانی باید مبتنی بر عقلانیت مدرن باشند و در عین حال با ارزش‌های دینی سازگار شوند (مالکی، ۱۴۰۳).

مطالعه‌ای از تشکریان جهرمی (۲۰۲۴) با عنوان الگوی توازن دیوان سالاری و مردم سالاری سازمانی مبتنی بر تحلیل مضمون به بررسی تعادل بین دیوان سالاری و مردم سالاری می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که دیوان سالاری به عنوان ابزاری برای ساختاردهی و نظم در سازمان‌ها ست و مردم سالاری به عنوان روشی برای مشارکت و تصمیم‌گیری جمعی می‌باشد. مطالعه به این نتیجه می‌رسد که برای دستیابی به سازمان‌های متعالی در تمدن نوین اسلامی، لازم است که مدیران به توازن بین دیوان سالاری و مردم سالاری توجه ویژه‌ای داشته باشند. این توازن می‌تواند به بهبود عملکرد سازمان و افزایش رضایت کارکنان منجر شود (Tashakorian Jahromi, ۲۰۲۴).

قائم‌نیک (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای با عنوان "جهاد سازندگی در کشاکش با قفس آهنین بوروکراسی مدرن در ایران به بررسی تعامل و تضاد میان جهاد سازندگی و بوروکراسی مدرن در ایران" پرداخته است. جهاد سازندگی به عنوان یک نهاد اجتماعی و توسعه‌ای، با چالش‌های متعددی در مواجهه با بوروکراسی رسمی و ساختارهای اداری روبرو است. اصطلاح "قفس آهنین" که به وسیله ماکس وبر مطرح شده، به محدودیت‌ها و قواعد سخت‌گیرانه‌ای اشاره دارد که ممکن است نوآوری و خلاقیت را در سازمان‌های دولتی محدود کند (قائم‌نیک، ۲۰۲۴).

سپهری ویدالله (۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان روند توسعه

سیاسی و مردم‌سالاری دینی (مؤلفه قدرت نرم) در جمهوری اسلامی ایران انجام دادند. نتایج نشان داد، مردم‌سالاری دینی به عنوان یک الگوی منحصر به فرد در ایران به تدریج در حال شکل‌گیری است، با وجود چالش‌های داخلی و بین‌المللی. ایران با استفاده از قدرت نرم توانسته است نفوذ خود را در منطقه و جهان افزایش دهد و به عنوان ابزاری مؤثر در سیاست‌های خارجی خود به کار گیرد. موانع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همچنان وجود دارند که بر روند توسعه سیاسی تأثیر می‌گذارند و می‌توانند مانع از پیشرفت‌های بیشتر شوند. با تقویت قدرت نرم و انجام اصلاحات در نهادهای سیاسی، امکان پیشرفت بیشتر در زمینه مردم‌سالاری دینی و بهبود وضعیت سیاسی ایران وجود دارد. نهادهای جدید تأسیس شده پس از انقلاب اسلامی به توسعه سیاسی کمک کرده و به شکل‌گیری مردم‌سالاری دینی در کشور کمک می‌کنند. همچنین، قدرت نرم به عنوان ابزاری برای تأثیرگذاری فرهنگی و سیاسی ایران در سطح بین‌المللی شناخته شده است و می‌تواند به تقویت موقعیت ایران در نظام جهانی کمک کند (سپهری و یدالله، ۲۰۲۲).

امیری (۲۰۲۵) پژوهشی با عنوان "عوامل زمینه‌ساز پاسخگویی؛ راهبردی برای حکمرانی اسلامی در سیستم‌های مدیریتی" یک پژوهش کیفی انجام داد نتایج نشان داد که عوامل کلیدی مانند شفافیت، مشارکت شهروندان، آموزش و فرهنگ سازمانی و ایجاد نهادهای نظارتی مؤثر، نقش مهمی در افزایش پاسخگویی در حکمرانی اسلامی دارند. همچنین، پیشنهاد شده است که برای بهبود عملکرد سیستم‌های مدیریتی، باید به تقویت این عوامل توجه ویژه‌ای شود. این مقاله به عنوان یک راهبرد برای بهبود حکمرانی اسلامی و ارتقاء پاسخگویی در سیستم‌های مدیریتی مطرح گردیده است (امیری، ۲۰۲۵).

کاویانی و همکاران (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان چالش

اندیشه سیاسی سید قطب فراروی گسترش مردم‌سالاری دینی در جهان اسلام انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه سیاسی سید قطب به عنوان یکی از متفکران مهم اسلامی، تأثیرات عمیقی بر گسترش مردم‌سالاری دینی در جهان اسلام دارد و برای گسترش مردم‌سالاری دینی در جهان اسلام، نیاز به بازنگری و تجدید نظر در برخی از اصول اندیشه سید قطب وجود دارد تا بتوان یک مدل حکمرانی متناسب با واقعیت‌های معاصر ارائه داد (کاویانی و همکاران، ۲۰۲۳).

موسوی جشنی، بختیاری و کشاورز شکری (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان "الگوی مردم‌سالاری دینی به مثابه شیوه زیست مبتنی بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای" انجام دادند. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش اجتهادی، به بررسی مفهوم و مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی به عنوان شیوه‌ای از زندگی اجتماعی پرداخته است (جشنی و همکاران، ۲۰۲۴).

طاهری خسرو شاهی (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان "دین و دولت: بایسته‌های الگوی مردم‌سالاری دینی در دولت‌سازی" انجام داد. هدف پژوهش بررسی بایسته‌های الگوی مردم‌سالاری دینی در دولت‌سازی است و این مدعا را دنبال می‌کند که عدم تحقق دولت اسلامی مردم‌سالار، مهم‌ترین کاستی نظام اسلامی در تحقق بخشیدن به نظم سیاسی مبتنی بر این بوده است. این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌شناسی (کارکردگرایی)، روش (اسنادی) و راهبرد نگارش، تحلیل فرآیند، انجام شده و نتایج نشان داد که عدم تحقق دولت اسلامی مردم‌سالار، در عدم کفایت ملاک‌های اسلامی در سه عنصر (کارشناسان و کارگزاران)، (نظامات و ساختارها) و (علوم انسانی پشتیبان) ریشه دارد (طاهری خسروشاهی و همکاران، ۲۰۲۱).

طوسی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان "ساخت اسلامی نهاد دولت در نظام اسلامی: آسیب‌شناسانه از دولت‌سازی اسلامی در الگوی مردم‌سالاری دینی" انجام

داد. در این پژوهش به ضرورت دستیابی به الزامات ساخت اسلامی نهاد (دولت) در جمهوری اسلامی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ناتمام ماندن مراحل ساخت درونی قدرت در نظام سیاسی کشور، خاستگاه آسیب‌های متعدد اجتماعی ایران بوده است، این نقض به نوبه خود در عدم کفایت ملاک‌های اسلامیت در پنج عنصر (منش و روش دولت مردان)، (ساختارها، نهادها و بنیان‌ها)، (نظامات)، (نرم افزارها) و الگوها ریشه دارد. تامین شاخص‌های اسلامیت در عناصر مذکور موجب ساخت دولت در نظام مردم‌سالاری دینی شده و کارآمدی نظام سیاسی اقتصادی اسلام در اراده جامعه بیش از پیش هویدا خواهد ساخت (طوسی و طاهری، ۲۰۱۹).

مطالعه‌ای از حاکمی و امانی (۲۰۱۷) با عنوان "سازمان‌های مردم نهاد امتداد خط مردم‌سالاری دینی در برابر بروکراسی ناشی از استبداد" به بررسی تعادل بین دیوان‌سالاری و مردم‌سالاری می‌پردازد. نتایج نشان داد که سمن‌ها به عنوان نهادهایی که صدای مردم را به مسئولان می‌رسانند، نقش مهمی در تقویت دموکراسی و مشارکت فعال شهروندان دارند. این سازمان‌ها می‌توانند به عنوان واسطه‌هایی بین مردم و دولت عمل کرده و از بروز فساد و سوءاستفاده‌های بروکراتیک جلوگیری کنند. همچنین، سمن‌ها می‌توانند به شفافیت و پاسخگویی در نظام‌های دولتی کمک کرده و به بهبود ساختارهای اجتماعی و سیاسی یاری رسانند (حاکمی و امانی، ۲۰۱۷).

نقیبی و همکارش (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان "مردم‌سالاری دینی و تمدن نوین اسلامی" انجام دادند. در این پژوهش بر مولفه‌های شکل‌گیری و اصل سلطنت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش، اصل امانت بودن حاکمیت اجتماعی در نزد مردم، اصل شورا، اصل بیعت، وکالت، امر به معروف و نهی از منکر، اصل حق مداری انسان در گستره مباحثات، اصل عدم ولایت انسانی بر

انسانی دیگر، اصل آزادی، اصل برابری از جمله مبانی مردم‌سالاری دینی اشاره شده است و این اصول را پشتوانه پیوند مردم‌سالاری بر درخت تمدن اسلامی برای روش نوین در تمدن اسلامی می‌داند و مردم‌سالاری دینی را مبداء تمدن نوین اسلامی می‌داند (نقیبی و سیدابوالقاسم، ۲۰۱۸).

علی‌پور (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان "تحلیل گفتمان سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" انجام داد. در این پژوهش مطرح کرده که سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان سند توسعه و پیشرفت ایران در دهه‌های آینده با الهام از مبانی نظری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی و اسلامی درصدد تحقق اهداف پیشرفت و توسعه است. تحلیل گفتمان این سند به عنوان یکی از روش‌های کیفی، کمک می‌کند با عبور از متن به فرامتن، بتوان گفتمان مسلط در این سند را بررسی و تحلیل و میزان انطباق آن با نیازها و خواسته‌های جامعه را مشخص نمود. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان لاکلا و مرف و روش تحلیلی محتوای کیفی، گفتمان این سند تحلیل می‌شود و با مشخص کردن دال مرکزی گفتمان، سند و تعریف‌های دال‌های پیرامونی مرتبط، ارتباط عمیق این سند با مبانی اسلامی در قالب گفتمان اسلامی مشخص و تبیین می‌گردد (علی‌پور، ۱۳۹۹).

حافظ‌نیا (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان "تبیین فلسفی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" انجام داد. پژوهش فوق به مسئله هویت و هویت ملی اشاره کرده و آن را به عنوان بنیان فلسفی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که مستقیماً با هویت ملی ایران پیوند خورده است بیان می‌کند. ایران کشوری است مستقل، دارای هویت ملی و ملتی مشخص و از این رو از سایر ملت‌ها متمایز است. هویت ملی ایران همواره در طول تاریخ وجود داشته و در حال حاضر به نظر می‌رسد آنچه باعث مطرح شدن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت شده است، چالشی به نام

تردید در هویت ملی ایرانیان است، یک جدال دیالکتیکی بین هویت ایرانی و اسلامی مطرح است و این چالش باید بر طرف شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۸).

مازندرانی و زاهدی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان "نقد سند الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر الزامات توسعه" انجام داد. نتایج نشان داد که این سند هیچ اتکایی به وضع موجود ایران ندارد، تدابیر معطوف به مشکلات احصا شده معین و خاصی نیست، بلکه صرفاً کلی‌گویی‌هایی مبتنی بر شعور عام است. روند و مسیر حرکت جامعه ایران و آینده این جامعه را به صورتی روشن و قابل درک به تصویر نکشیده است و در نهایت این سند گویا برای جهانی خیالی است. زیرا متناسب با واقعیات جامعه ایران نیست و غیرکاربردی و غیراجرایی به نظر می‌رسد (مازندرانی و زاهدی، ۱۳۹۸).

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف طراحی الگوی مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و با رویکرد اسلامی ایرانی انجام شده است. از نظر هدف، این پژوهش کاربردی-توسعه‌ای است؛ زیرا به دنبال طراحی یک الگوی مفهومی در حوزه مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و حل مسائل واقعی در این زمینه و ارتقاء دانش بومی در عرصه حکمرانی اسلامی ایرانی می‌باشد.

از منظر گردآوری داده‌ها، پژوهش از نوع توصیفی و از نظر قطعیت داده‌ها، از نوع اکتشافی است. با توجه به خلأ پژوهشی موجود، رویکرد کیفی در اجرای پژوهش به کار گرفته شد تا پژوهشگر بتواند با جستجوی گسترده در ادبیات موضوع، به شناسایی مولفه‌های مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با رویکرد اسلامی ایرانی بپردازد. برای شناسایی این مولفه‌ها، از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه استفاده شد. در ابتدا، کلیه مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها در بانک‌های علمی معتبر در بازه زمانی ۱۵ ساله با کلید واژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش بررسی شدند. پس از حذف منابع غیرمرتبط، تعداد ۹۵

منبع نوشتاری از بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲ در دست بررسی قرار گرفت. همچنین، در بخش بعدی، با ۲۰ نفر از خبرگان مصاحبه شد. بدین ترتیب، با بررسی ۹۵ منبع کتبی و انجام ۲۰ مصاحبه، به اشباع نظری دست یافتیم. در این پژوهش، نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده است. در مطالعات کیفی، تعداد نمونه‌ها تا جایی افزایش می‌یابد که داده‌های جدید دیگر به توسعه یا اصلاح نظریه موجود کمک نکند. به عبارتی، زمانی که داده‌ها تکراری شده یا طبقه‌بندی‌های موجود تغییر نکند، به این وضعیت اشباع نظری گفته می‌شود (آگاه و همکاران، ۱۴۰۰). در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون و با رویکرد استقرایی (آتراید-استرلینگ) صورت گرفته است. تحلیل مضمون به عنوان یک روش مؤثر در پژوهش‌های کیفی، به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا داده‌های خام را به اطلاعات غنی و تفصیلی تبدیل کنند. در این رویکرد، پژوهشگر با شناسایی مضامین پایه‌ای، نکات کلیدی متن را نمایان می‌سازد و از طریق ترکیب این مضامین، مضامین سازمان‌دهنده شکل می‌گیرد (آگاه و همکاران، ۱۴۰۰). در تحلیل مضمون، تمرکز اصلی بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنایی در داده‌های کیفی است. مضمون‌ها به عنوان ارزشمندترین واحدها در تجزیه و تحلیل محتوا، معنای خاصی را از کلمات، جملات یا پاراگراف‌ها استخراج می‌کنند.

در این تحقیق، مراحل زیر برای تحلیل مضمون انجام شده است.

۱- جمع‌آوری داده‌ها

ابتدا اقدام به جمع‌آوری داده‌های کیفی مرتبط با موضوع تحقیق نموده. این داده‌ها شامل منابع مختلفی مانند کتاب‌ها، مقالات و مصاحبه‌ها بودند که به موضوع محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران مرتبط می‌شدند.

۲- کدگذاری اولیه

۵- شناسایی مضامین فراگیر

در نهایت، مضامین فراگیر شناسایی شدتد. این مضامین نمایانگر الگوهای کلی و معانی عمیق‌تر داده‌ها بودند و به بینش‌های کلی‌تر موضوع تحقیق کمک کردند.

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. در مرحله اول، پاراگراف‌های مرتبط با محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران از میان منابع و اسناد جمع‌آوری شده استخراج شدند و کدگذاری اولیه را انجام گردید. پس از اتمام کدگذاری اولیه، کدهای مشابه را در کنار یکدیگر قرار داده تا بتوان در مورد نحوه ترکیب و ادغام کدهای مختلف برای ایجاد مضامین پایه‌ای تصمیم‌گیری کرد. در جدول ۱، چند نمونه از مضمون‌های پایه‌ای استخراج شده از مصاحبه‌ها ارائه شده است.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، کدگذاری اولیه انجام شد. در این مرحله، داده‌ها، به کدهای اولیه تبدیل شده که به شناسایی و دسته‌بندی مضامین کمک می‌کرد. این کدها نمایانگر مفاهیم کلیدی موجود در داده‌ها بودند.

۳- استخراج مضامین پایه

در این مرحله، کدهای مشابه کنار یکدیگر قرار گرفته و دسته‌بندی شدتد. این دسته‌بندی منجر به استخراج مضامین پایه شد که به عنوان بن‌مایه‌های اصلی تحقیق عمل کردند. این مضامین نشان‌دهنده نکات کلیدی و مهم در داده‌ها بودند.

۴- شکل‌گیری مضامین سازمان‌دهنده

سپس به انتزاعی کردن دسته‌بندی‌ها پرداخته تا مضامین سازمان‌دهنده شکل بگیرند. این مضامین به سازماندهی و ساختاردهی بهتر مضامین کمک کردند و باعث شدند که ارتباطات بین مضامین مختلف بهتر درک شوند.

جدول ۱- ارزیابی پایایی با ضریب کاپای کوهن

جدول ۱: نمونه‌هایی از متن‌های منتخب و مضمون‌های پایه‌ای شناسایی شده		
ردیف	متن مصاحبه	مضمون‌های پایه‌ای
۱	اگر ما معتقد به این باشیم که حکومت اسلامی، حکومت نه شایستگان بلکه حکومت شایسته‌ترین‌هاست، یعنی هر کسی که در هر جایگاهی قرار می‌گیرد باید شایسته‌ترین فرد باشد.	اصل انتخاب شایسته‌ترین‌ها
۲	در دین ضوابط اخلاقی را دخیل می‌کنیم، خلاف اون ضوابط سازمانی نیست این موضوع اشکال ندارد. اگر به زمانی تعارض داشت با قوانین سازمانی، این قوانین سازمانی مقدم هست بر اون	اخلاق مداری در تدوین دستورالعمل‌ها و مقررات
۳	بخشی از اهدافی که داریم، اهداف مادی خیلی‌هاش مشترک با اهدافی که تو نظام‌های بروکراسی دیگه هست اینجا یک نقاط مشترکی داریم، مثلاً اینکه سازمان باید کارآمدی داشته باشه کارایی داشته باشه باید مثلاً منعطف باشه، چرا چون اینا بر اثر تجربه بدست می‌آید.	ارزش کارایی-ارزش انعطاف پذیری
۴	اگر مجلس قانونی تصویب کرد و به تصویب شورای نگهبان رسید تبعیت از آن واجب است..	اصل وجوب قوانین و مقررات سازمانی

نام مضمون فراگیر قرار گرفت. در جدول ۲، دسته‌بندی مضمون‌های پایه در قالب مضمون‌های سازمان‌دهنده و فراگیر ارائه شده است.

در گام دوم، براساس مشابتهای کاربردی مضمون‌های پایه‌ای، هر چند مضمون در یک دسته به نام مضمون سازمان‌دهنده و چند مضمون در یک دسته به

جدول ۲- دسته‌بندی مضمون‌های پایه‌ای و استخراج مضمون‌های سازمان‌دهنده و فراگیر

ردیف	مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
۱	جامعه خداپاور و برخوردار از سعادت اخروی	تحقق حاکمیت دینی و امت اسلامی	اهداف غایی و مأموریت‌ها
۲	ایجاد جامعه‌ای رشد یافته براساس ارزش‌های دینی		
۳	سامان‌دهی و تحقق امت اسلامی		
۴	تحقق اصل الهی حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش	تحقق مردم سالاری فراگیر	
۵	تحقق جامعه رشد یافته برخوردار از آزادی‌های مشروع		
۶	ایجاد دولت پاک دست و پاسخگو به شهروندان		
۷	برقراری عدالت اجتماعی	توسعه اجتماعی – اقتصادی عدالت محور	
۸	توسعه و آبادانی کشور براساس عدالت و عقلانیت		
۹	ایجاد رفاه عمومی و امنیت اقتصادی		
۱۰	استقلال و عزت ملی	ارتقا و حفظ اقتدار ملی	
۱۱	وحدت بخشی و انسجام ملی		
۱۲	خدا محوری و عمل صالح	وفاداری به ارزش‌های بنیادین دینی – انقلابی	ارزش‌های بنیادین
۱۳	تقوایی‌پیشگی در تمامی شئون اداری		
۱۴	عدالت‌محوری در تمامی امور		
۱۵	پاسداری از ارزش‌های اسلامی و انقلابی		
۱۶	تعهد و وفاداری به توصیه‌ها و انتظارات رهبری		
۱۷	پاسخگویی اخروی در برابر اعمال و اقدامات	پاسخگویی دنیوی و اخروی	
۱۸	شفافیت و پاسخگویی به مردم		
۱۹	امانتداری (اهتمام به حفظ و نگهداری از بیت‌المال)	پاسداری از منافع و منابع عمومی	
۲۰	وفاداری و تعهد به منافع عمومی		
۲۱	اهمیت کرامت انسانی و رعایت حقوق مردم	دولت فروتن و خدمتگزار	
۲۲	روابط مبتنی بر برادری و مسئولیت متقابل		
۲۳	روحیه گذشت و ایثار در خدمت‌دهی		
۲۴	فروتنی و تواضع نسبت به مردم (دولت فروتن)		
۲۵	روحیه همکاری و تعامل مثبت		
۲۶	تعهد و اخلاص در خدمت‌دهی		
۲۷	شایسته‌سالاری در تمامی امور	حکمرانی عقلایی ارزش محور	
۲۸	تخصص‌گرایی		
۲۹	مسئولیت الهی مدیران و کارکنان در استفاده بهینه از منابع (کارآیی)		
۳۰	پرهیز از اسراف و تبذیر		
۳۱	ساختارهای مبتنی بر عقلانیت علمی و انسانی	عقلانیت علمی – اخلاقی در ساختاردهی	ساختار
۳۲	سازماندهی با رویکرد کارآیی و بهره‌وری		
۳۳	بهبود و توسعه سیستم‌ها و روش‌ها بر محوریت اخلاق و کارایی		

	قدرت قانونی - اخلاقی	قدرت سلسله مراتبی مبتنی بر اعتماد و تفویض	۳۴
		روابط سلسله مراتبی مبتنی بر تواضع و خیرخواهی	۳۵
		توجه به انعطاف‌پذیری در عمل (صلاح‌دید اخلاقی کارکنان و مدیران)	۳۶
	قوانین و مقررات مقید به اخلاق و مصلحت	عدم تعارض قوانین و مقررات با اصول دینی و اخلاقی	۳۷
		قوانین و مقررات انسان‌مدار (مبتنی بر ارزش‌های انسانی)	۳۸
		قوانین و مقررات مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و مصلحت‌های موقعیتی	۳۹
	ساختار دهی مبتنی بر اصل «کلکم راع و کلکم مسئول»	شفافیت در تصمیم‌گیری و اقدامات	۴۰
		تعریف سیستم‌ها و روش‌ها بر مبنای اصل مسئولیت‌همگانی	۴۱
		پیش‌بینی سازوکارهای نظارتهای متقابل بین مدیران و کارکنان	۴۲
رابطه متقابل با وجه سیاسی	پاسخگویی مبتنی بر صداقت و شفافیت وجه اداری	پاسخگویی وجه اداری به وجه سیاسی	۴۳
		صداقت و شفافیت وجه اداری در رابطه با وجه سیاسی	۴۴
		نظارت فعال وجه سیاسی بر دولت و دستگاه اجرایی	۴۵
	روابط متقابل پویا و مبتنی بر اخلاق و قانون	روابط مبتنی بر منافع عمومی بین نظام اداری و سیاسی	۴۶
		روابط مبتنی بر عقلانیت اخلاقی و قانونی بین وجوه اداری و سیاسی	۴۷
		وفاق اخلاق‌محور وجه سیاسی و اداری	۴۸
		تنظیم فعال روابط وجوه سیاسی و اداری براساس اخلاق دینی و مصلحت‌اندیشی	۴۹
	همکاری و همیاری متقابل دین‌محور و توسعه‌مدار	مشورت‌دهی نخبگان اداری به سیاست‌گذاران	۵۰
		تعامل نزدیک سیاست‌گذاران و مجریان در تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها	۵۱
		همکاری متقابل بر محور حاکمیت دینی	۵۲
		همکاری متقابل در رشد و توسعه اقتصادی دین‌محور	۵۳
	مداخلات مقید به قانون/مصلحت عمومی و نظام از سوی طرفین	استقلال حرفه‌ای نظام اداری از جریان‌های سیاسی	۵۴
		وفاداری و تعهد حرفه‌ای وجه اداری به منتخبین سیاسی	۵۵
		تداخل مرزهای وجوه سیاسی و اداری براساس قانون، مصلحت عمومی و نظام	۵۶
رابطه با مردم	حکمرانی باز	مشارکت شهروندان در تصمیمات و اقدامات اجرایی	۵۷
		استفاده از مشارکت مردم در آشکارسازی و مقابله با فسادهای اداری	۵۸
		دسترسی مردم به اطلاعات غیرمحرمانه دستگاه‌های دولتی	۵۹
		تعامل و گفت‌وگوی مستمر دولت و مردم با یکدیگر	۶۰
		نظارت عمومی بر فعالیت‌ها و اقدامات دستگاه اجرایی	۶۱
	پاسخگویی نظام اداری به مردم	نظام دریافت و بررسی شکایات شهروندان	۶۲
		پاسخگویی سریع و مسئولانه نسبت به شهروندان	۶۳
		رعایت حقوق شهروندان براساس قانون و شریعت	۶۴

	اخلاق و کرامت انسانی با شهروندان	خدمت‌دهی نظام اداری مبتنی بر قانون و اخلاق دینی	۶۵
		روابط مبتنی بر کرامت انسانی و اخلاق دینی با مردم	۶۶
	عدالت در خدمت‌دهی با اولویت محرومیت‌زدایی	رعایت عدالت و انصاف در خدمت‌دهی	۶۷
		اولویت محرومیت‌زدایی در اقدامات و توزیع منابع و امکانات	۶۸
	توانمند سازی و آموزش شهروندان در روابط متقابل	آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی در مورد خدمات مورد تقاضای ارباب رجوع	۶۹
		توانمندسازی شهروندان نسبت به حقوق متقابل (مردم و نظام اداری)	۷۰
		راهنمایی مشفقانه و برادرانه ارباب رجوع	۷۱
	روابط متقابل مبتنی بر قانون و اخلاق	روابط مبتنی بر قانون و اخلاق بین مدیران و کارکنان	۷۲
		قانون‌مداری در روابط متقابل مدیران و کارکنان	۷۳
		اقتدار قانونی و اخلاقی مدیران نسبت به کارکنان	۷۴
روابط کارکنان با مدیران و سازمان	اهمیت‌دهی به معیشت و رفاه کارکنان	حساسیت مسئولانه نسبت به مشکلات و مسائل کارمندان	۷۵
		توجه به معیشت و رفاه کارکنان در چارچوب ارزش‌های دینی	۷۶
	مدیریت ظرفیت‌های معنوی و اخلاقی کارکنان	مسئولیت در برابر رشد اخلاقی و معنوی کارکنان	۷۷
		ایجاد فضای مناسب به منظور تعالی و رشد اخلاقی کارکنان	۷۸
		اهمیت‌دهی به ظرفیت‌ها و توانایی‌های معنوی و اخلاقی در محیط کار	۷۹
		رعایت کرامت انسانی و احترام کارکنان	۸۰
	نقش‌دهی فعالانه و مسئولانه به کارکنان	استفاده از مشورت و مشارکت کارکنان در امور	۸۱
		حق انتقاد و شکایت برای کارکنان	۸۲
		سازوکار نظارت کارکنان بر اقدامات و تصمیم‌های سازمانی و مدیران	۸۳
		مسئولیت و تعهد نسبت به توانمندسازی کارکنان	۸۴
	مدیریت منابع انسانی مبتنی بر شایستگی‌های کاری و اخلاقی	عدالت‌محوری در تمامی امور مربوط به کارکنان مبتنی بر توانایی و راست‌کرداری	۸۵
		جاذبه و دافعه مبتنی بر پاکدستی و روحیه خدمت‌گزاری نسبت به کارکنان	۸۶
		اهمیت‌دهی به تخصص در کنار تعهد و اخلاق	۸۷
	رابطه تکلیفی کارکنان در برابر رؤسا	پاسخگویی کارکنان نسبت به عملکرد و اقدامات خود	۸۸
		اطاعت و پیروی کارکنان در چارچوب‌های قانونی و اخلاقی از مدیران	۸۹
		رعایت ادب و نزاکت اسلامی نسبت به رؤسا	۹۰
شایستگی‌های مدیران	وجدان کاری خداپاورانه	خداپاوری در عمل	۹۱
		باور به کار در محضر خداوند	۹۲
		باور به کار برای خدا و کسب رضایت او	۹۳
	اخلاق خدمت‌گزاری	روحیه خدمت‌گزاری	۹۴
		پاکدستی	۹۵
		ساده‌زیستی	۹۶

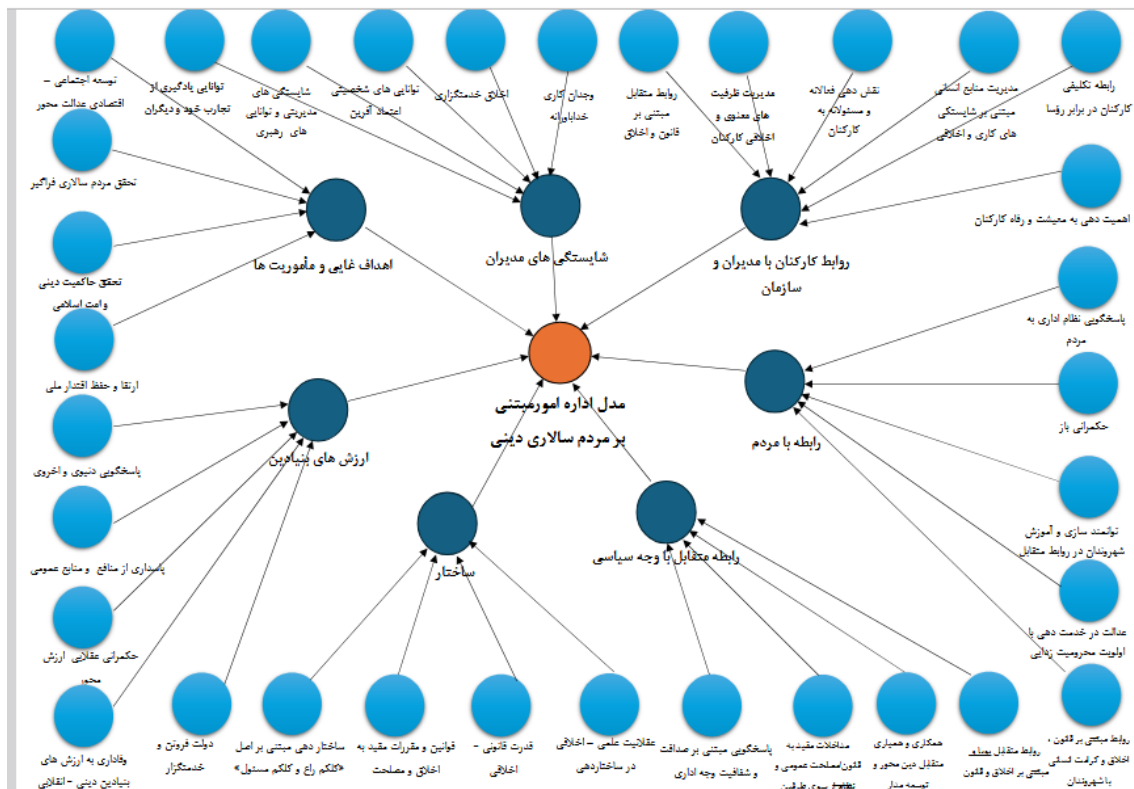
توانایی‌های شخصیتی اعتماد آفرین	نرم‌خویی	۹۷
	گشاده‌رویی	۹۸
	تواضع و فروتنی	۹۹
	مردم‌دوستی و مردم‌داری	۱۰۰
	تاب‌آوری و صبوری	۱۰۱
	انگیزه رشد شخصی	۱۰۲
	رازداری	۱۰۳
	توانایی و شایستگی علمی، تخصصی و مدیریتی	۱۰۴
	نظم و انضباط شخصی	۱۰۵
	توانایی تهییج و ایجاد انگیزه در دیگران (نفوذ شخصی)	۱۰۶
	توانایی در اقناع دیگران	۱۰۷
توانایی‌های مدیریتی و توانایی‌های رهبری	آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی	۱۰۸
	انعطاف‌پذیری شناختی (یادگیری از دیگران و از تجارب سازمانی)	۱۰۹
	گشودگی در برابر دیگران (مشورت و مشارکت‌پذیری)	۱۱۰
	انتقادپذیری و تلاش گری برای بهبود و اصلاح	۱۱۱
توانایی یادگیری از تجارب خود و دیگران		

شبکه مضامین

در نتیجه بکارگیری ابزار تحلیلی شبکه مضامین، نقشه‌ای شبیه تارنما یا شبکه‌ای از مفاهیم به عنوان الگوی داده‌ها نمایش داده می‌شود. ابزار شبکه مضامین، در مسیر حرکت خود، مضامین پایه (کدها و نکات کلیدی متن)، مضامین سازمان دهنده (مضامین به دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه و انتزاعی‌تر از آنها و رابط آنها با مضامین فراگیر) و در پایان، مضامین فراگیر (مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به مثابه کل) را شکل می‌دهد. ممکن است در شبکه مضامین با توجه به پیچیدگی داده‌ها و هدف تحلیل چند مضمون فراگیر استخراج شود؛ با وجود این، تعداد مضامین فراگیر از تعداد مضامین پایه و سازمان دهنده، کمتر خواهد بود. هر مضمون فراگیر، هسته و کانون شبکه‌ای مضمونی را

تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، ممکن است تحلیل به چندین شبکه مضامین منجر شود. شبکه مضامین به صورت تارنمایی از مفاهیم، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح، همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. بازنمود بصری شبکه مضامین -برخلاف ابزار قالب مضامین هرگونه رابطه سلسله مراتب میان مضامین را نفی نموده و شناوری و ارتباط متقابل میان مضامین را ترسیم می‌کند. بازنمود بصری شبکه مضامین، ابزار تحلیلی تفسیر متن و ابزار ارائه روشن نتایج پژوهش برای پژوهشگر و خوانندگان پژوهش است (آتراید-استیرلینگ، ۲۰۰۱).

در زیر شبکه مضامین، جهت طراحی الگوی مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با رویکرد اسلامی ایرانی نشان داده شده است.



شکل ۱- شبکه مضامین استخراج شده از تحلیل مضمون

مدیریت اسلامی، نقش محوری در جهت‌دهی به ساختار، رفتار، و هدف‌گذاری دولت دارند. اصولی چون عدالت، تقوا، صداقت، کرامت انسان و خدامحوری، پایه‌های شکل‌گیری یک نظام اداری مردمی و دینی هستند.

۲- اهداف در این الگو برخاسته از آرمان‌های الهی، اخلاقی و اجتماعی بوده و فراتر از دستاوردهای صرف اقتصادی یا اداری است. هدف دولت در این الگو، تحقق حیات طیبه، عدالت اجتماعی، رضایت الهی و رشد کرامت انسانی است.

۳- رابطه با مردم نه تنها بر محور رضایتمندی و مشارکت فعال مردم در تصمیم‌سازی‌ها استوار است، بلکه به شفافیت، عدالت در ارائه خدمات، مسئولیت‌پذیری و تکریم ارباب‌رجوع نیز توجه دارد.

۴- رابطه با نظام سیاسی در این الگو مبتنی بر ولایت‌پذیری، هماهنگی با رهبری الهی، التزام به قانون اساسی و همسویی با آرمان‌های انقلاب اسلامی است.

مقایسه یافته‌های تحقیق با ادبیات و پژوهش‌های مرتبط با موضوع، نشان داد که این تحقیق در موضوعات زیر به نتایج جدیدی دست یافته است و به غنای ادبیات مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی با رویکرد اسلامی ایرانی کمک نمود. اهداف غایی و مأموریت‌ها، ارزش‌های بنیادین، ساختار، رابطه متقابل با وجه سیاسی، رابطه با مردم، روابط کارکنان با مدیران و سازمان و شایستگی‌های مدیران.

بحث

تحقیق حاضر با هدف شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های الگوی مطلوب مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، بر مبنای یافته‌های میدانی (مصاحبه‌های عمیق با خبرگان و تحلیل داده‌ها)، ساختاری منظم و گام به گام داشته است. در این راستا، هفت مقوله اصلی به عنوان ابعاد بنیادین این الگو شناسایی و تبیین گردید:

۱- ارزش‌ها به عنوان زیربنای مفهومی و فلسفی

مدیریت دولتی باید پشتیبان نظام اسلامی باشد و به عنوان بازوی اجرایی آن عمل کند.

۵- رابطه فرادست و فرودست در این نظام اداری برخلاف بوروکراسی اقتدارمحور غربی، بر محور اخلاق، کرامت کارکنان، مشورت، مسئولیت‌پذیری، عدالت سازمانی و شایسته‌سالاری استوار است.

۶- شایستگی مدیران تلفیقی از ویژگی‌های علمی، اخلاقی، دینی و تجربی است. مدیر اسلامی باید متقی، متخصص، انقلابی، مردمی، اهل مشورت و مسئولیت‌پذیر باشد.

۷- ساختار اداری در این الگو، باید چابک، شفاف، عدالت‌محور، پاسخگو و مبتنی بر تمرکززدایی هوشمندانه باشد. ساختارهای ناکارآمد، فسادزا و دیوان‌سالارانه باید به نفع ساختارهای کارآمد، ساده، و مردم‌مدار اصلاح شوند.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های الگوی مطلوب مدیریت دولتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، ساختاری منظم و گام‌به‌گام را براساس یافته‌های میدانی و مصاحبه‌های عمیق با خبرگان ارائه داد. این تحقیق به شناسایی هفت مقوله اصلی به عنوان ابعاد بنیادین این الگو پرداخته است که هر یک نقش مهمی در شکل‌گیری یک نظام مدیریتی مؤثر و دینی ایفا می‌کنند.

ارزش‌ها به عنوان زیربنای فلسفی و مفهومی، نقش کلیدی در شکل‌گیری رفتار و ساختار دولت دارند و اصولی چون عدالت و صداقت، پایه‌های نظام اداری مردمی را تشکیل می‌دهند. اهداف این الگو نه تنها به دستاوردهای اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه بر تحقق حیات طیبه و عدالت اجتماعی تأکید دارد، که نشان‌دهنده تعهد به ارزش‌های الهی و انسانی است. ارتباط با مردم باید براساس رضایت‌مندی و مشارکت فعال شکل گیرد و بر شفافیت و عدالت در ارائه خدمات تأکید داشته باشد

تا اعتماد عمومی تقویت شود. همچنین، رابطه با نظام سیاسی باید بر مبنای ولایت‌پذیری و هماهنگی با رهبری الهی استوار باشد و مدیریت دولتی به عنوان پشتیبان نظام اسلامی عمل کند.

در این نظام، رابطه فرادست و فرودست بر محور اخلاق و کرامت کارکنان استوار است و به جای بوروکراسی‌های اقتدارمحور، به مشورت و عدالت سازمانی توجه می‌شود. شایستگی مدیران باید ترکیبی از ویژگی‌های علمی، اخلاقی و دینی باشد و مدیر اسلامی باید به اصول اخلاقی متعهد و مسئولیت‌پذیر باشد. در نهایت، ساختار اداری باید چابک و پاسخگو طراحی شود و براساس تمرکززدایی هوشمندانه عمل کند تا از فساد و ناکارآمدی جلوگیری کند. این پژوهش به وضوح نشان داد که برای تحقق یک مدیریت دولتی مؤثر و مبتنی بر مردم‌سالاری دینی، توجه به این مؤلفه‌ها ضروری است. نتایج این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و مدیران کمک کند تا با در نظر گرفتن این ابعاد، ساختارهای مدیریتی را بهینه‌سازی کرده و به توسعه‌ای پایدار و عادلانه در جامعه دست یابند، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که نظام اداری مبتنی بر مردم‌سالاری دینی نیازمند الگویی است که نه تنها با ساختارهای اسلامی همخوان باشد، بلکه پاسخگوی نیازهای تمدنی ایران امروز نیز باشد. به عبارتی، «مدیریت دولتی اسلامی» باید واجد شاخص‌هایی از قبیل عدالت‌محوری، شایسته‌سالاری ارزشی، کرامت انسانی، ولایت‌پذیری آگاهانه و چابکی ساختاری باشد.

منابع

احمدی، ع (۲۰۲۴). نظریه مردم سالاری دینی در اندیشه سیاسی امام خمینی، افق‌های نو در فقه سیاسی. امیری، ع (۲۰۲۵). عوامل زمینه‌ساز پاسخگویی؛ راهبردی برای حکمرانی اسلامی در سیستم‌های مدیریتی: یک پژوهش کیفی، مدیریت در دانشگاه

- اسلامی. مطالعات انقلاب اسلامی.
- بروجنی، م. م (۱۴۰۲). حکمرانی از منظر عقلانیت مدرن و نسبت آن با جمهوری اسلامی ایران. علی‌پور، ج، پوررشیدی، هه (۲۰۲۱). تحلیل گفتمان سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.
- جشنی، م، صدرالدین، ب، بختیاری، م، شکری، ک (۲۰۲۴). الگوی مردم‌سالاری دینی به‌مثابه شیوه زیست مبتنی بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهش‌های سیاست اسلامی.
- حافظنیا، ع (۲۰۱۹). تبیین فلسفی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، آمایش فضا و ژئوماتیک.
- حاکمی، ع، امانی، م (۲۰۱۷). سازمان‌های مردم‌نهاد، امتداد خط مردم‌سالاری دینی در برابر بوروکراسی ناشی از استبداد، تحقیقات حقوق شهروندی.
- خسروشاهی، ط، زایی، ل، شریف، م، طوسی، م (۲۰۲۱). دین و دولت: بایسته‌های الگوی مردم‌سالاری دینی در دولت‌سازی، سیاست متعالیه.
- خورزوقی، ر، صفاری، م (۲۰۲۳). نقد و بررسی مبانی و اصول بوروکراسی با تأکید بر چارچوب عقلانیت اسلامی و دلالت‌های آن در نظام حکمرانی، فصلنامه مطالعات دین، معنویت و مدیریت.
- سپهری، ع، یدالله، م (۲۰۲۲). روند توسعه سیاسی و مردم‌سالاری دینی (مؤلفه قدرت نرم) در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم.
- شاهرخی، م (۲۰۲۳). معضلات بروکراسی در سیستم دولتی ایران، کنفرانس ملی مدیریت، روان‌شناسی و علوم رفتاری.
- طاهری، ع، طوسی، م (۲۰۱۹). ساخت اسلامی نهاد دولت در نظام اسلامی: تحلیلی آسیب‌شناسانه از دولت‌سازی اسلامی در الگوی مردم‌سالاری دینی،
- آگاه، ف، نادی، م، ع، کریمی، ف (۲۰۲۱). شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در مشارکت والدین در مدرسه: رویکردی کیفی با روش تحلیل مضمون.
- فقیه، م ع (۲۰۲۲). بررسی مدیریت بوروکراسی سازمان‌های دولتی ایران براساس مطالعه فرا ترکیب، همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی.
- کاویانی، ع، شیرخانی، ر، رنجبر، م، مقصود، ع (۲۰۲۳). چالش اندیشه سیاسی سید قطب فراروی گسترش مردم‌سالاری دینی در جهان اسلام، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی.
- مازندرانی، م، زاهدی، د (۲۰۱۹). نقد سند الگوی پایه‌ی اسلامی-ایرانی پیشرفت از منظر الزامات توسعه، برنامه‌ریزی و آمایش فضا.
- مطهری، م (۱۳۵۷). پیرامون جمهوری اسلامی. تهران: انتشارات صدرا.
- نقیی، ا (۲۰۱۸). مردم‌سالاری دینی و تمدن نوین اسلامی، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی.
- نیک، ق (۲۰۲۴). جهاد سازندگی در کشاکش با قفس آهنین بوروکراسی مدرن در ایران، مدیریت اسلامی.
- Attridge-Stirling, J (۲۰۰۱). *Qualitative Research networks: an analytic tool for qualitative research. Qualitative Research.*
- Mehrgan, F, Faghihi, A & Mirsepassi, N (2020). The contemplation on the interaction of bureaucracy and. *Perspective.*
- Tashakorian Jahromi, A (2024). A model of balance between bureaucracy and organizational democracy based on thematic analysis of Nahj al-Balagheh: The image of exemplary organizations in the modern Islamic civilization. *Scientific Journal of New Islamic Civilization Fundamental Studies.*